

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

نویسندگان مردم بخانواده های مصیبت دیده سی و پنج تن معد نچیان دامغان که در نتیجه شرایط رقت بار کار از میان رفتند صمیمانه تسلیت می گوید.

باز هم در باره دمکراسی

برخی اعترافات سخنگویان رژیم

دبیر کل حزب کلاهی نوشت که در برابر « حزب پاسدار انقلاب » یک جبهه متشکل وجود ندارد ولی جبهه ای که وجود دارد « بی اعتقادی و بی اعتنائی مردم است ... متأسفانه این جبهه بواسطه دنباله در صفحه ۲

مورد تأیید قاطبه مردم است ناچار به اعترافات می شده اند که علی رغم آنها گوشه ای از واقعیت کشور را بر ملا میسازد. روزنامه « ایران نوین » ارگان حزب دولتی تحت عنوان « مبارزه با بی علاقهگی و بی تفاوتی مردم » از قول

در آستانه « انتخابات » انجمن های شهرستانها و استانها، برخی سخنگویان رژیم که معمولاً وضع را از هر باره می آریند و میخوانند چنین جلوه گر سازند که گویارژیم

یک قرارداد تاریخی میان دو دولت آلمان

را نماینده منحصر ملت آلمان میسرمد، در این قرار داد رسماً موجودیت، استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمت شناخته و متعهد شده است که روابط آتی خود را با این کشور بر اصول بالا استوار سازد. در ماده دوم قرارداد گفته میشود: « جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان از هدفها و اصولی تبعیت خواهند کرد که در منشور ملل متحد در باره تساوی حاکمیت تمام کشورها، احترام به استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی، حق خود مختاری، تضمین حقوق بشر و عدم مداخله ذکر شده است. »

در ماده چهارم قرار داد، جمهوری فدرال رسماً از دعوی خود مبنی بر نمایندگی تمام ملت آلمان صرف نظر کرده است. در این ماده گفته میشود: « جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان این واقعت را مبنای عمل خود قرار میدهند که هیچیک از دو کشور نمیتواند از نظر بین المللی نماینده دیگری باشد یا بنام آن عمل کند. » این دنباله در صفحه ۴

روز ۸ نوامبر، بعد از ماهها مذاکرات مشکل و بفرنج، سرانجام قرار دادی که در آن اصول مناسبات میان جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان تدوین شده است از طرف نمایندگان دو کشور در بن پاراف گردید. این قرار داد متضمن ۱۰ ماده است. علاوه بر آن طرفین ضمن چند بیانیه و صورت مجلس متبادل، مواضع خود را در باره مسائلی که در قرار داد مورد بحث قرار نگرفته اند، ذکر کرده اند.

قرار دادی که روز ۸ نوامبر پاراف گردید، بیشک یکی از مهمترین قرار دادهائی است که بعد از جنگ دوم جهانی در اروپا منعقد شده است. بعد از قرار دادی که چند ماه پیش برای تنظیم عبور و مرور میان دو کشور آلمان امضا شد اکنون اصول مناسبات این دو کشور در قرار داد اخیر تدوین شده است. محتوی اصلی این قرار داد چیست؟ نکته اصلی و مرکزی مندرج در این قرارداد آنست که جمهوری فدرال آلمان، بعد از بیش از بیست سال که موجودیت جمهوری دموکراتیک آلمان را انکار میکرد و خود

موج جدید تسلیحات

و تشدید سیاست نظامیگری رژیم

خود او نخواست آنرا در مقابل مردم ایران باز کند، رادیوی لندن در تاریخ ۶ نوامبر اطلاعات مشخص تری داد. این رادیو گفت که: « ایران در سالهای آینده نیروی ضربتی را تقویت خواهد کرد ... در برنامه پنجم مبلغی که برای خرید اسلحه و لوازم دفاعی منظور شده از جمع کلیه مبالغی که در چهار برنامه عمرانی بمصرف رسیده بیشتر است. » رادیو لندن پس از اشاره به لایحه جدیدی که تقدیم مجلس شده و موافق آن اختیار اخذ بین ۶۰۰ - ۷۰۰ میلیون دلار وام بنا به تصریح لایحه تقدیمی « از هر منبعی که دولت مصلحت بداند » بوی احاله گردیده است افزود: « گزارشها، هم در داخل، هم در خارج از کشور حاکی است که ایران در صد خرید یک ناو هواپیمابر میباشد و چند ماه قبل هیئتی از وزارت دفاع امریکا برای مذاکره پیرامون خرید وسائل دفاعی، از دنباله در صفحه ۳

اخیراً دولت ایران بدنبال اقدامات قبلی خود در جهت نظامیگری و خرید تسلیحات باز هم گامهای تازه ای در همین جهت برداشته است. شاه ایران در نطق خود به هنگام افتتاح تأسیسات جدید بندر نفتی خارک از نقشه های دور درازی برای بسط قدرت نظامی و تسلیحاتی صحبت کرد و از جمله گفت که گویا وضع دنیا طوری است که وی نه فقط باید در فکر بندر عباس و تنگه هرمز باشد بلکه باید بفر در برای عمان و کرانه های ایرانی آن نیز بیافند. شاه گفت: « باز هم وقایع دنیا طوری شد که ما را وادار کرد که بپذیریم که در برای چسبیده به دریای عمان مرز نیشناسد. منظور اقیانوس هند است ... ما فعلاً در راهی قدم بر میداریم که از ذکر آن خودداری میکنیم. فردا هم دیدیم. یکی دو سال دیگر خواهیم دید. » در اطراف این نیات و قصد شاه که

بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی



افزایش یافته است و اینک بیش از یک هزار کارخانه در دست ساختمان است و نزدیک به سه هزار کارگاه و کارخانه تجدید ساختمان میشود.

در پیشرفت تکنیک رشد اقتصاد و فرهنگ کشور دانشمندان شوروی سهم شایانی دارند. پیوند دانش و تولید همواره گسترش می یابد و پروسه کاربرد نتایج پژوهشهای علمی در اقتصاد ملی تسریع میگردد. دانش شوروی در بسیاری از مهمترین رشته های علوم نقش پیشاهنگ افشاء میکند. در سالهای اخیر کشفیات بزرگی در رشته فیزیک هسته ای انجام گرفته، انواع نوبن «لازر» ایجاد گردیده است. دانشمندان شیمی در تهیه پلمرها به نتایج درخشانی رسیده اند، در رشته های زیست شناسی و « زمین شناسی نیز کامیابها چشمگیر است.

و فولاد به ۱۲۵ میلیون تن میرسد. متناسب با این ارقام میلیونها تن فرآورده های گوناگون شیمیایی و میلیونها دستگاه ماشین آلات تولید میگردد. بزرگت کامیابهای اقتصادی و رشد مستمر نیروهای مولده، برنامه وسیع بهبود زندگی مردم طبق پیش بینیهای کنگرسه بیست و چهارم تحقق میپذیرد. تنها در سال ۱۹۷۲ مبلغ دستمزدها و حقوق کارگران و کارمندان شوروی ۹ میلیارد روبل و اعتبار هزینه های مصرف اجتماعی ۴ میلیارد روبل افزایش یافته است. برنامه خانه سازی پیگیرانه اجراء میشود. در سال جاری ۱۱ میلیون نفر از مردم شوروی به خانه های نو ساز منتقل خواهند شد. طی ۲۲ ماه گذشته برای تهیه کالاهای مصرفی مورد نیاز مردم ۲۷ کارخانه جدید بکار افتاده و قدرت تولید ۴۰۰ کارخانه

در جامعه شوروی که بهره کشی انسان از انسان و خلقی از خلق دیگر در آن ریشه کن گردیده است قدر و منزلت هر فرد زحمتمکش را وفاداریش به آرمانهای کمونیستی، کمیت و کیفیت کار و خصائل اخلاقی معین میکند. ملت و نژاد در این امر تأثیری ندارد. افراد وابسته به خلقها و ملت های مختلف در شهر و روستا برادرانه در راه ساختمان پایه های مادی و فنی کمونیسم کار میکنند. وحدت مردم شوروی مبتنی بر وارستگی از قید استعمار و تبعضات ملی و نژادی مهمترین عامل پیشرفتهای شگرف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه شوروی و پایه قدرت روز افزون کشور شورواست. در سال جاری که دومین سال نقشه پنجساله نهم است میزان تولید برق به ۸۵۰ میلیارد کیلووات ساعت، نفت به ۴۰۰ میلیون تن

دستاوردهای دانش شوروی در بررسی کیهان بویژه جالب توجه است. بکسک تکنیک کیهانی شوروی علاوه بر بررسی مناطق دور افتاده و سیارات منظومه شمسی، مسائل بفرنج مربوطه ارتباطات تلفونی، تگرافی و تلویزیونی، کشف منابع طبیعی و مسائل عملی دیگری

دنباله از صفحه ۱

باز هم در باره دمکراسی

ریشه‌هایی که در قرن‌ها پیدا کرده خیلی هم قوی است. (ایران نوین -

۱۶ مهرماه ۱۳۵۱) همین روزنامه در ستون مسائل روز، طی مقاله مفصلی پس از بحث در باره آنچه که وی آنرا «دمکراسی ایتیموم» میخواند و آنرا برای ایران شایسته میدانند، رشته کلام را به گله‌گذاری از روشنفکران میکشاند و می‌نویسد که این روشنفکران می‌گویند:

«تا پریشان نشود کار بسامان نرسد... اینگونه روشنفکران که در گوشه و کنار، گاه بیرون از مرزهای سرزمین، افکار نظم‌ناپذیرفته خود را، در زیر نقاب فریب‌ناپسوند و گاه انترناسیونالیسم پوشانده‌اند، برای درهم شکستن حکومت مبارزه منفی را پیشنهاد میکنند. بزعم آنها در انتخابات عمومی نباید شرکت کرد و حکومت را بحال خود گذاشت، تا دور از افکار عمومی به بیماری فساد و تباهی کشیده شود.» نکته جالب در این اظهارات اعتراف به وجود جنبه «خوبی قوی» بی اعتقادی و بی اعتمادی مردم است، اعتراف به آنست که بخشی از روشنفکران «برای درهم شکستن حکومت»

اشکال مختلف مبارزه را پیشنهاد میکنند. این اظهارات آشکارا ناقض آن تبلیغات رسمی دولتی است که می‌خواهد جلوه گر کند که گویا مثلاً در انتخابات انجمنها توده انبوهی از مردم به طیب خاطر شرکت جستند و سیاست دولتی را تأیید کرده‌اند.

اما اینکه ریشه این «بی اعتقادی و بی تفاوتی» که یک جنبه غیر مشکل «خوبی قوی» ایجاد کرده است در کجاست، آقای کلانی لطفی میفرمایند که آنرا دارای ریشه دیرینه در قرون گذشته می‌شمرند. واقیبت مستند تاریخ معاصر کشور ما، از انقلاب مشروطیت تا امروز، حاکی از شرکت بسیار فعال و فوق العاده پرشور توده‌های انبوه شهر و ده، پایتخت و شهرستان در امور سیاسی و اجتماعی بوده است. در این موارد مأمورین ساواک و دستورهای بخشنامه‌وار حزب دولتی عمل نمیکرده، بلکه مردم با طیب خاطر و داوطلبانه در فعالیتهای سیاسی گاه بعد از گبار خطرناک شرکت می‌جستند.

لذا سخن از «بی تفاوتی و بی اعتقادی» که گویا ریشه آن در قرون گذشته است یعنی گویا ناشی از «رخوت و عقب ماندگی شرقی» است (!) تکرار اها نه‌های استعماری و سخنی است سراپا یوچ. ولی فاکت وجود بی اعتقادی و بی تفاوتی که کلانی و نویسندگان ایران نوین بدان اعتراف میکنند حقیقت دارد و علت آنهم عدم اعتماد توده‌های وسیع مردم به سیاست حکومت است. خطوط اساسی این سیاست یعنی آنتی دمکراتیسم، همکاری همه جانبه اقتصادی، نظامی یا محافل انحصاری امپریالیستی بسود غارتگری و سیطره این محافل، بسط روز افزون میدان بهره‌کشی برای سرمایه‌داری داخلی، شهر و ده، علی‌رغم برخی جهات و نکات مترقی که در زیر فشار نیرومند وضع جهان و ایران و در این سیاست

پدید شده، نمی‌تواند اعتماد انگیز باشد، نمیتواند مردم را بشور آورد. مردم ایران نه در اثر فقدان رشد و آگاهی سیاسی که سخن‌گویان رژیم سعی دارند چه راست بدان اتکاء کنند، بلکه اتفاقاً در اثر نهایت رشد و آگاهی سیاسی خود، با وجود دامنه عظیم تبلیغات سفسطه آمیز رژیم بسود خود، میتوانند عمده و غیر عمده را تشخیص دهند، ماهیت را از وراء پدیده ببینند و فریب دستگاه نخورند.

مردم ایران به دمکراسی جعلی رژیم باور ندارند. در واقع رژیم ایران که با وجود داشتن روش استبدادی و پلیسی جرأت ندارد آشکارا بدان اعتراف کند، سخت دم از دمکراسی میزند ولی این دمکراسی را مورد آنچنان تعبیرات دور و درازی قرار میدهد که آنرا بکلی از محتوی خود تهی و از محتوی ضد آن پر میسازد. بعنوان نمونه خوبست در این زمینه به برخی گفتارهای اخیر رادیو تهران مراجعه کنیم.

تعبیرات خودسرانه «رادیو تهران»

«رادیو تهران» طی آذر ماه گذشته یک سلسله گفتار در باره دمکراسی پخش کرد. علت این توجه استثنائی به بحث درباره دمکراسی، صرف نظر از مسئله انتخابات انجمنها، همان است که موجب اظهار نظر کلانی و نویسندگان «ایران نوین» شده و ما از آن در فوق یاد کردیم یعنی کوشش برای فائق آمدن بر بی اعتنائی مردم، به قصد فریب آنها، کوششی که مسلماً بی ثمر است.

«رادیو تهران» در گفتارها، چنانکه شیوه سخن‌گویان رژیم است، به تعبیرات خودسرانه و من در آوردی از دمکراسی دست زد و با لغت بازی و اصطلاح تراشی، بمنظور بالا بردن درجه «علمیت» سخنان یوچ خود، از دمکراسی در کشورهای «روبرشد» یا «رو به پیشرفت» که گویا با دمکراسی کشورهای رشد یافته تفاوت دارد سخن بمان آورد. این رادیو گفت: «استقرار دمکراسی سازنده در یک جامعه رو به پیشرفت کار دشواری است زیرا مستقیماً با اعتلاء فرهنگ و اعضا آن و هویشاری سیاسی مردم پیوند دارد. از یکسو نیروهای فرصت طلب، فرهنگ عقب مانده، عدم درک درست از اصول دمکراسی و از سوی دیگر توطئه‌های استعماری برای بهره برداری از روابط دمکراتیک اجتماعی، موانع اصلی محسوب میشود. منافع یک کشور را هرگز نمیتوان با استقرار گونه‌ای روابط دمکراتیک داخلی و فرصت دادن باشخاص فرصت طلب که به منافع ملی وفادار نیستند بخطر انداخت زیرا اینگونه روابط دمکراتیک مستقماً در اختیار استعمارگران قرار می‌گیرد.» اگر حجاب «ساواکی» این عبارات را پاره کنیم، لب مطلب این است که فقط آن دمکراسی برای رژیم ایران خوب است که دیکتاتوری او را بخطر نیاندازد و الا آن دمکراسی که «باشخاص فرصت طلب که به منافع ملی وفادار نیستند» (بخوان: به نیروهای ملی و دمکراتیک جامعه) فرصت بدهد، یعنی آن دمکراسی که یک

پوزیسون واقعی را مجاز کند برای رژیم قابل قبول نیست. قید و شرط‌های دیگری نیز مطرح میگردد. رادیوی تهران در گفتار دیگری میگوید: «در کشورهای رو برشد قبل از هر چیز منش دمکراتیک (؟) می‌باید عمومیت یابد و زمینه‌های مادی و معنوی برای روش دمکراتیک پدید آید. در غیر اینصورت دمکراسی بدل به هرج و مرج اجتماعی میشود و هرج و مرج وسیله‌ایست برای تهاجم نیروهای استعماری. انقلاب ایران با همین نگرش اساسی به مسئله دمکراسی اجتماعی میگردد.» خلاصه کلام آنکه «نگرش» رژیم به دمکراسی آنستکه اول باید «منش» دمکراسی پدید آید تا بعد «روش دمکراسی» مجاز شود. تازه آنچنان دمکراسی که چنانکه گفته شد «باشخاص فرصت طلب که به منافع ملی وفادار نیستند» فرصت عمل ندهد!

برای تدارک «منش» دمکراسی رادیوی تهران وعده میدهد که «خانه‌های انصاف» «شورهای داوری»، «انجمنهای» ساواک فرموده، «خانه‌های فرهنگ روستائی» و امثال آن بهترین وسایل است و این «نهاد» هاست که راه رشد معنوی و مادی و آمادگی فکری و روحی را تأمین میکند، برای آنکه «دمکراسی نوین» یا «دمکراسی ایتیمال» رژیم راه را بر «هرگونه هرج و مرج خیابانی» که مانعی برای رشد دمکراسی بشمار می‌آید سد کند. چنین است اظهارات گستاخانه رادیوی تهران درباره دمکراسی.

ما بارها گفته ایم و اینک نیز تکرار میکنیم:

۱ - دمکراسی در نظر ما احتیاج به تفسیرات «ثوریک» سخن‌گویان ساواک ندارد. معنی این دمکراسی موافق قانون اساسی ایران و اعلامیه حقوق بشر که برای ایران یک سند متعهد کننده رسمی است روشن است. این اسناد از ضرورت گذراندن دوران ویژه آماده کردن «منش دمکراسی» از طریق «نهادهای» ساخته ساواک صحبت نکرده‌اند. در این اسناد صریحاً از آزادیها و حقوق دمکراتیک بمعنای روشن این کلمات صحبت شده است. در این اسناد آزادی و حقوق دمکراتیک با قیود و شرایط سیاسی و اجتماعی مقید نشده است و با حدی اجازه داده نشده است که نقش قاضی کل تاریخ را بازی کنند و مخالفان خود را «فرصت طلبان ضد ملی» و طرفداران «هرج و مرج خیابانی» بخوانند، زیرا اگر این عناوین صحت داشته باشد، اولین مصداق واقعی آن سردمداران رژیم موجودند.

۲ - صحبت از رشد و نضج و ایجاد منش دمکراتیک در مورد مردم ایران که بانی نخستین انقلاب آسیا در آغاز قرن حاضرند اهانتی است عظیم باین مردم. مردم ایران مثلاً کمتر از مردم هندوستان سن دمکراتیک ندارند و باندازه آنها برای درک مقتضیات سیاسی و اجتماعی رشیدند و احتیاجی بمعلمان ظریف «منش دمکراسی» در وجود مستبدان و شکنجه‌گران ندارند. این واقعه خنده آور است که قلدرهای خون آشام تاریخ به آموز گاران «منش دمکراتیک» بدل شده‌اند!

این واقعه مضحک است که سخن‌گویان ساواک از «فرهنگ عقب مانده» و «فقدان هشیاری سیاسی مردم» ایران سخن می‌گویند و حاملان تمدن برای یکی از کهن ترین مردم تاریخ انسانیت شده‌اند.

دمکراسی - خواست مبرم روز

مسئله دمکراسی که یکی از شعارهای اساسی مبرم در برنامه حزب ماست بیش از پیش به خواست مبرم مردم ایران بدل میشود. خود این واکنشهای دست پاچه رژیم و تئوری بافهای رسوا نیز حاکی از همین مطلب است. علت آنست که فشار استبداد و رژیم پلیسی که بر انگیزنده عدم رضایت عمومی است همراه افشای نیروهای مترقی و مبارزه مردم، همراه با انتقاد شدید از آنتی دمکراسی تسم رژیم در محافل مختلف جهانی بیش از پیش مسئله را حاد کرده است. باین عوامل باید یک عامل مهم عینی را نیز افزود و آن تضادی است که بین شیوه اداره مستبدانه و پلیسی از یکسو و رشد نیرومند طبقات دمکراتیک جامعه که با سرعت انجام می‌گیرد پدید شده است. رژیم در حفظ استبداد تعصب خاصی دارد. حتی سیستم باصطلاح دوحزبی تصویب شده شاه نیز در داخل این تعصب تاب مقاومت ندارد. حتی بیانات طبق دستور علی نقی کنی لیبر معزول حزب دولتی «مردم» و اظهارات «رهبری شده» از بالای اقلیت در مجلس، از طرف رژیم تحمل نمیشود. حتی نویسندگان رسمی مطبوعات که مطالب خود را به مسائل درجه سوم و چهارم محدود کرده‌اند، میدان عرض وجود ندارند. تحکیم، سانسور، تحمیل گاه بشیوه‌های خشن و مستقیم و گاه با شیوه‌های مستور و ظریف و غیر مستقیم (از راه انگیزه‌های اقتصادی) تنها یک اراده را در دستور روز باقی گذاشته است و آنهم اراده شاه و محافل مورد اعتماد اوست. این وضعی نیست که بابل زبانهای سخن‌گویان رادیوی ایران بتواند آنرا توجیه کند و بیاراید. غلبه شدن و لغو بودن این وضع روشن است. باید با تمام قوا این جهت تاریخ قرون وسطائی را در سیاست رژیم افشاء کرد و با مبارزه و با ایجاد فشار نیرومند افکار عمومی در جهان و ایران زمینه را برای پیشرفت آنتی شعار دمکراسی هوار تر و آماده تر ساخت.

مبارزه در راه دمکراسی میتواند بصورت اشکال مختلف در آید. در این مبارزه باید از جمله از همه وسایل علنی و قانونی و از کلیه سازمانهای اجتماعی و انتخابی موجود هر قدر هم که تحت کنترل رژیم باشد، استفاده کرد و کوشید تا گام بگام، ولو در موارد جزئی به موفقیت‌هایی نائل شد.

۱. سپهر

با این آدرس با رادیو بیگ ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید!

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

دنباله از صفحه ۱

موج جدید تسلیحات و تشدید سیاست نظامیگری رژیم

ایران بازدید نمود. گفته شد این مذاکرات پیرامون خرید هواپیمای جت «ف. ۱۴» و «ف. ۱۵» بود که برای کارهای دریایی ساخته شده. رادپوی لندن افزود: «بنابگفته دیروز شاه ایران توسعه نیروی دریایی شامل افزایش ۳۰ فروند کشتی است که در حال حاضر موجود است. نیروی دریایی ایران در حال حاضر چند ناوشکن ساخت انگلستان در اختیار دارد و در نظر دارد طی سال آینده تعداد بیشتری از بریتانیا و آمریکا خریداری نماید. در ضمن طی چند ماه گذشته احداث ۱۲ فرودگاه نظامی برای جزایر خلیج فارس در نظر گرفته شده و یکی از دو اسکادرون جت نیز در همین نواحی ساحلی در خلیج فارس مستقر می‌باشد. گزارشاتی حاکی است که تعداد اسکادرون‌های هوایی در ایران ممکن است تا چهار افزایش یابد.»

اطلاعات رادپوی لندن در باره تسلیحات ایران کمتر از واقعیت است. تسلیحات ایران در مقیاس باز هم وسیعتری انجام می‌گیرد و آنطور که رادپوی لندن گفته است صرفاً دارای جنبه دفاعی نیست و دارای جنبه تعرضی و تجاوزی است. ولی بهر حال اظهارات شاه و اطلاعات مشخص رایوی لندن حاکی از تقاضای وسیع و تب‌آلود رژیم برای اجراء خریدهای هنگفت اسلحه از آمریکا و انگلستان است. علاوه بر ۶۰۰ الی ۷۰۰ میلیون دلار وام جدید چندی پیش ۱۰۰ میلیون لیره اسلحه از انگلستان خریداری شده است. مبلغ وام دولت اکنون به بیش از سه میلیارد دلار بالغ است. در یک کلمه هم بخش متناهی از ارز کشور وهم‌وومی که گرفته می‌شود مستقیماً بابت خرید اسلحه به امپریالیست‌ها تحویل می‌گردد. طبیعی است که باید ربح و امها نیز پرداخت گردد. حتی خوشبینانه ترین محاسبه‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۱ هزینه‌های نظامی بیش از نیم در آمد نفتی ما را بلعیده است. این جریان در کشوری است که بیش از همه به ارز خود برای حل مشکلات درپینه تکامل اجتماعی و برای بر آوردن اولیه ترین مطالبات حقه مردم احتیاج دارد.

سخن‌گویان رژیم می‌خواهند این تب کاری را با دعاوی دروغین و بدون محتوی توجیه و تبرئه کنند. می‌خواهند جلوه گر کنند که گویا وضع دنیاطوری تغییر کرده که خطری ایران را تهدید میکند و ایران باید خود را با عجله و با فدا کردن منابع ارزی خود و با گرفتن وامهای اسارت بار برای مقابله با آن خطر آماده سازد؟ سؤال می‌کنیم: این وضع دنیا که تغییر کرده چیست و تغییر کدام است؟ این خطر را چه کسی ایجاد کرده است؟ از چه ناحیه مشخص خطری که چنین تدارکات کمر شکنی را ضرور کرده باشد متوجه ایران است؟ شاه و هویدا که در نطقهای ماههای اخیر در اطراف چنین خطرات موهومی سخنان آتشین گفتند، هیچ چیز مشخص و روشنی در این باره بیان نداشتند

برای دلالتان ایرانی هیئت حا که نیز حق العمل چرب چندین میلیونی ایجاد میکند. برای تسهیل همین غارتگری است که سخن‌گویان رژیم و بر رأس آن شاه ایران هرچندی یکبار محیط هیستری نظامی بوجود می‌آورند و مثلاً بآن قبیل نطق آتشینی که شاه در «دانشکده پدافند ملی» در شهریور گذشته کرد، متوسل میشوند تا ایران را در معرض یک خطر مهیب که اصلاً وجود خارجی ندارد، جلوه گر سازند؛

در کنار این علت، علت دیگری هم هست که بنوبه خود شایان ااهمت است و آن اینست که امپریالیست‌ها بویژه امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس میخواهند که ایران نقش محافظ نفت را در خلیج فارس ایفاء نماید. این امر همان سیاست ایجاد «ژاندارم منطقه» است. هدف آنست که ایران در کنار عربستان سعودی بیک نیروی حامی شيوخ و امیران مرتجع در قبال جنبش مترقی منطقه عرب نشین خلیج فارس، جنبش ظفار و جمهوری دمکراتیک یم، بدل گردد و در توطئه از تجاعی علیه خلقهای این منطقه نقش ویژه‌ای ایفاء نماید. بعلاوه ایران در چارچوب استراتژی جهانی و منطقه‌ای نظامی امپریالیستی بعلت پیوندهای خود تعهداتی که بضرر مصالح ملی ماست بر گردن گرفته و سیاست نظامیگری رژیم را باید از این زاویه نیز مورد توجه قرار داد. مرتجع ترین محافل هیئت حا که ایران که دارای دعاوی شونیستی و سیطره جویانه است در این هدفها سهم خود را دارد.

بدین ترتیب کوچکترین رابطه‌ای مابین سیاست نظامیگری رژیم و منفعت مردم ایران نیست. بلکه برعکس. سیاست نظامیگری رژیم و خرید اسلحه موجب غارت بیدریغ ثروت یک کشور در حال رشد، ثروت کشوری است که مردم آن هنوز نتوانسته‌اند احتیاجات اولیه حیاتی خود را بر طرف کنند. این یک سیاست عمیقاً ارتجاعی است. از آنجا که هیئت حا که با توسل به انواع عوامفریبی‌ها و با سوء استفاده از احساسات غرور ملی می‌کوشد ماهیت بندوبست غارتگرانه خود را با سوداگران بین المللی اسلحه و بر باد دادن ثروت کشور را پنهان نگاهدارد، وظیفه همه افراد میهن پرست است که این نقاب دروغین را پاره کنند، ماهیت سیاست نظامیگری رژیم را بر ملا سازند، مضرات آنرا نشان دهند و افکار عمومی نیرومندی برای جلوگیری از این سیاست مضر و خانمان بر انداز بوجود آورند.

ادامه سیاست نظامیگری رژیم نمیتواند به عواقب منفی منجر نشود. این سیاست در جهت صلح و دوستی خلقها نیست. بلکه در جهت تشنج است. این سیاست بویژه در شرایط امروزی جهان که در آن مشی همزیستی مسالمت آمیز راه خود را به پیش گشوده و دولت ایران نیز خود را هوادار این مشی اعلام میدارد، و صله ایست ناجور و با هیچ جار و جنجال تبلیغاتی و عوامفریبی نمیتوان آنرا توجیه کرد و ماهیت آنرا منغفی نگاهداشت. در جهانی که در راه خلع سلاح گامهای

دنباله از صفحه ۱

بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

که برای اقتصاد ملی حائز اهمیت است حل می‌گردد.

در پیشبرد فرهنگ و دانش شوروی همه جمهوریه‌ها و نمایندگان همه ملت‌ها و خلقهای شوروی سهیمند. وجود مناسبات تولیدی سوسیالیستی موجبات بسط کامل انقلاب علمی و فنی، و بکار بستن دستاوردهای آن و شرایط همستگی و همکاری روز افزون همه خلقهای کشور را فراهم می‌سازد. میان رشد اقتصادی کشور و تنظیم و وحدت ملت‌های شوروی وحدت دیالکتیکی وجود دارد. شکوفایی اقتصاد جمهوریه‌ها پایه محکم برای دوستی و همکاری آنهاست و در عین حال کمک متقابل و دوستی خلقها اهم نیرومند پیشرفت‌های اقتصادی و عامل مؤثر کامیاب‌های هر جمهوری در ساختن پایه‌های مادی و فنی جامعه کمونیستی و تأمین بهزیستی مردم است.

دنباله از صفحه ۴

ترور و اختناق در ترکیه

حس بهانه توهین به ارتش محکوم گردید. این استاد هیچگاه با انقلابیونی که بغایت های تروریستی دست زده اند، ارتباط نداشته است. تألیفی که بخاطر آن محکوم شده کتاب درسی دانشجویان در طول دو سال پیش از ۱۲ مارس ۱۹۷۱ بوده بدون آنکه استاد بعنوان تبلیغ کمونیستی مورد پیگرد قرار گیرد. استادان دیگری هم که از این اثر بعنوان کتاب درسی در دانشکده استفاده کرده اند نیز مورد اتهام و تعقیب قرار نگرفته اند.

حکومت «ملن» بار دیگر میخواهد بقانون اساسی دستبرد بزند و این مسئله را پنهان نمیکند که قصد دارد دست‌گامهای اداری و دانشگاهی را از عناصر نامطلوب تصفیه کند، همچنین میخواهد در قانون مطبوعات برای کنترل مطبوعات و حذف آنچه بنظر آنها «مترقی» می‌آید، تجدید نظر نماید.

مشخص برداشته میشود و «جنگ سرد» و هواداران آن باشکست فاحش روبرو گردیده‌اند و اندیشه امنیت جمعی اروپا راه خود را بسوی پیروزی کامل می‌گشاید و اندیشه امنیت جمعی در آسیایبش از پیش قوت می‌گیرد، گرد و خاک نظامیگری و تاراج ثروت یک کشور فقیر برای مسلح شدن عملی است، از لحاظ سیاسی هم لغو وهم شدت زیانمند.

حزب توده ایران بغارت در آمداری ما بسوله سوداگران مرگ، به قبول وامهای سنگین جدید برای خرید اسلحه، شدیداً معترض است و همه مردم را برای مبارزه با آن دعوت میکند. حزب توده ایران اتخاذ مشی صلح و همزیستی، مشی تأمین امنیت جمعی در آسیا، مشی استقرار روابط همکاری و دوستی با خاقها را تنها مشی درست میدانند و سیاست نظامیگری رژیم را مابین با چنین مشی مردود می‌شمارد.

ترور و اختناق در ترکیه

فشار بر مردم بهانه «سوء قصد علیه حکومت» بدون توقف ادامه دارد. هزاران نفر از دانشجویان، آموزگاران، اعضای سندیکاها، روزنامه نگاران زیر فشار پیگیر قرار دارند. عده ای از آنها مورد شکنجه قرار گرفته اند و بسیاری از کار خود بر کنار شده اند و طبق آخرین آمار رسمی هشتصد نفر محکوم، هزار و نود نفر در حال حاضر توقیف و نود و دو نفر تحت نظر هستند. هزار و سیصد و شانزده نفر در جریان داد رسی و یازده هزار و شصت پرونده در مرحله باز پرس میباشند. این ارقام هزاران نفر را که از ۱۲ مارس ۱۹۷۱ ماهها تحت مراقبت بوده اند بر نمیگردد. حکومت و بلندگویان او ادعا دارند که «دموکراسی نجات یافته است» در حالیکه هفده ماه است رژیم حالت «فوق العاده» اعلام نموده، عده ای از انقلابیون را بدار آویخته، عده ای به اعدام یا محکوم بجزس هائی شده اند که با اتهام آنها هیچگونه تناسبی ندارد. رهبران حزب کارگر ترکیه، حزبی که با وجود ظرفداری از قانون اساسی ممنوع گردیده، به حبسهای بسیار سنگین (از ۱۲ تا ۱۵ سال) محکوم شده اند.

ستین آلتان، الهامی سسیال و ابلیخان سلجوق بخاطر مقالاتی که مدتی پیش از ۱۲ مارس ۱۹۷۱ نوشته اند زندانی و بدادگاه های نظامی که پس از اعلام وضع «فوق العاده» بوجود آمده اند، کشانده شده اند، با وجود قرار منع تعقیب بار دیگر آنها را بخاطر مقالات دیگری که بزمانهای پیشین مربوط بوده و دادستان نظامی آنها را کشف کرده، بزندان انداخته اند.

فقیه بیقوت فیلمبردار، ایلمز قوتی جامعه شناس، اسماعیل بیسجیجی مورد تعقیب قرار گرفته و نفر آخر بجزس بسیار سنگینی محکوم شده، زیرا او چند اثر تحقیقی در باره وضع اجتماعی آناتولی شرقی نوشته است. استاد ممتاز سوسنیل پس از يك صحنه سازی بنام دادرسی بیش سال و هشت ماه زندان و يك سال توقیف بنام پیشگیری محکوم شد. دیوان کشور بخاطر نقض شکل دادرسی استاد را آزاد کرد. دادگاه فوق العاده نظامی شماره ۳ آنکارا برای رفع این نقص کمیسونی از کار شناسان را برای رسیدگی بتالیفی که بااستناد آن استاد سوسیل محکوم شده بود، تعیین نمود تا به اتهام تبلیغ کمونیستی این استاد رسیدگی کند. این پنج کارشناس که بداشتن نظرات راست معروف هستند، بااتفاق نظر دادند که این تالیف حاوی تبلیغات مارکسیست-لنینیستی است. دادگاه نظامی فوراً استاد را بنام پیش گیری توقیف نمود و اکنون زندانی است. همسر این استاد سوگی سوسیل که نویسنده است و در سرویس رادیو-تلویزیون ترکیه کار میکرد، از کار برکنار و به شش ماه

دنباله از صفحه ۱

يك قرارداد تاریخی

ماده، در حقیقت، ضربه خلاص بر يك دكترین ارتجاعی است که بنام دكترین هالشتاین معروف است و سالها وسیله اخلال و تحریک در مناسبات بین المللی بود.

در ماده ۶ قرار داد تصریح میشود که دائره نفوذ حاکمیت ملی هر يك از دو کشور متعاقد به سرزمین دولتی آنها منحصر میشود و هر يك از آنها «استقلال و حاکمیت دیگری را در زمینه امور داخلی و خارجی خویش محترم میشمارد».

در ماده ۸ قرار داد دو دولت آلمان توافق کرده اند که «نمایندگان دائم» میان خود مبادله کنند. مقر این نمایندگان دائم مقر دولتهای طرفین خواهد بود.

قرار داد ۸ نوامبر نه تنها يك کامیابی بلکه گامی بزرگ در راه تحقق اصول همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات میان کشور های اروپا و اقدامی با اهمیت در جهت تکمیل صلح در مقیاس بین المللی است. مندرجات این قرار داد شاهد شپوائی است که پیشرفت چشمگیر نیرو های صلح و ترقی و عقب نشینی نیرو های جنگ و ارتجاع را نشان میدهد.

در جمهوری فدرال آلمان قریب بیست سال دولتهائی که زیر رهبری احزاب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی قرارداشتند با تمام قوا در راه بر انداختن جمهوری دموکراتیک آلمان و بسط قدرت سرمایه انحصاری بعرضه ای که در آن قدرت زحمتکشانش پیروز شده بود کوشیدند. دولتهای کنراد آدناور، لودویگ ارهارت و کورت کیزینگر، تمام پیشنهادهای جمهوری دموکراتیک آلمان را برای مذاکره میان دو دولت بمنظور طرح و حل اختلافات رد کرده اند. در این دوره تمام نامه های رسمی دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان که به بن فرستاده شده بدون آنکه گشوده شود عودت داده شد. ادناور و جانشین دموکرات مسیحی او که خمار افسانه های دوران جان فوستر دالس بودند، هیچگاه نخواستند که واقعیت انکار ناپذیر را در نظر گیرند.

از اواسط سالهای ۶۰ در محافل اجتماعی جمهوری فدرال بتدریج ورشکستگی سیاست شرق ادناور و جانشینان او آشکار گردید. در محافل حا که این کشور آن جناحی که بصیر تر و واقع بین تر بود در صدد برآمد که حساب خود را از حساب احزاب دموکرات و سوسیال مسیحی جدا کند و سیاست خارجی جدیدی که مبتنی بر محاسبه واقعیات است در پیش گیرد. از اواسط سالهای شصت آشکار بود که دكترین هالشتاین دیگر قابل دوام

اطلاع

محمد زمان پهلوان بمناسبت اتخاذ روش تسلیم طلبانه و نقض و نفی مشی و سیاست حزب از حزب نوده ایران اخراج میگردد دبیرخانه کمیته مرکزی حزب نوده ایران

نیست. علاوه بر کشورهای سوسیالیستی که از مدتها پیش جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمیت شناخته بودند، عده ای از کشورهای قاره آسیا و افریقا و امریکای لاتین هم این کشور را برسمیت شناختند. نمایندگان گنهای بازرگانی و کنسولگریهای این کشور در بیش از صد کشور جهان گشایش یافت. بسط مناسبات جمهوری دموکراتیک آلمان با کشورهای جهان در حالی انجام گرفت که دولت بن با تمام قوا از سلاح دكترین هالشتاین استفاده میکرد. بزودی کار بانجا رسید که دكترین هالشتاین يك دكترین سیاسی برای انفراد جمهوری فدرال تبدیل شد، زیرا بسیاری از دولتهای حاضر نبودند تسلیم سیاست ارباب و تهدید بن شوند. دولت بن بعضی اینکه این کشورها به استقرار روابط سیاسی با جمهوری دموکراتیک آلمان میپرداختند روابط خود را با آنها قطع میکرد.

در انتخابات ۱۹۶۹ احزاب دموکرات و سوسیال مسیحی در اقلیت ماندند و برای نخستین بار در تاریخ جمهوری فدرال يك دولت ائتلافی مرکب از احزاب سوسیال دموکرات و لیبرال دموکرات بر سرکار آمد. دولت جدید برهبری ویلی براندت در صدد برآمد که در سیاست منسوخ و ورشکست دولتهای سلف خود، در قبال کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول در قبال جمهوری دموکراتیک آلمان تجدید نظر کند. در این مورد تذکر این نکته لازم است که در طول این دوران نیز مانند گذشته همه جا ابتکار طرح پیشنهادها، دعوت برای مذاکره، تبادل نظر، حل اختلافات و عقد قراردادهای با کشورهای سوسیالیستی بوده است. در مورد همین قرار داد مورد بحث باید متذکر شد که برای نخستین بار در آوریل امسال ارایش هونکر دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان ضمن نطقی در صوفیه آمادگی دولت جمهوری دموکراتیک را برای اجرای مذاکره با دولت فدرال مطرح کرد. بدین وسیله نخستین قدم را در راه اجرای مذاکرات برداشت.

نکته دیگری که در این مورد باید متذکر شد موقفتهائی که است سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی بعد از گذرگاه تاریخی بیست و چهار حزب کمونیست اتحاد شوروی، گذرگاه هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان و گذرگاه های سایر احزاب برادر کشورهای سوسیالیستی بدست آورده اند. تعرض بزرگ و جهانگیر صلح اتحاد شوروی، که از طرف تمام احزاب کمونیست و کارگری جهان حمایت شده است، در طول يك سال و نیم اخیر کامیابیهای بزرگ بدست آورده است. قرار داد ۸ نوامبر میان دو دولت آلمان یکی از نتایج این تعرض جهانگیر است. از آثار دیگر این ییکار عظیم برای تکمیل صلح، تخفیف وخامت اوضاع بین المللی و بسط همکاری بین المللی، میتوان از قرار داد همکاری میان اتحاد شوروی و فرانسه، قرار داد های میان اتحاد شوروی و جمهوری فدرال، لهستان و جمهوری فدرال، قرار داد میان جمهوری دموکراتیک آلمان و سنای برلین

غربی و قرار داد میان اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا در باره سلاحهای استراتژیک و چند قرار داد دیگر نام برد.

تمام این قرار دادها حاکی از آنند که در بسیاری از کشورهای جهان، حتی در متروپولهای امپریالیستی، بر اثر تغییر مداوم تناسب قوا بلفع نیرو های صلح و ترقی و سوسیالیسم، بتدریج بی اعتباری و ورشکست بسیاری از نظریات سیاسی یادگار دوران جنگ سرد آشکار میشود و محافل سیاسی رئالیست این کشورها در صدد بر میآیند که در سیاست عمومی خویش تجدید نظر کنند. قرار داد میان دو دولت آلمان درحالی براراف شد که جمهوری فدرال در آستانه انتخابات عمومی قرار داشت. احزاب دموکرات و سوسیال مسیحی، به رهبری راینر بارنسل و اشتراوس با تمام قوا کوشیدند که مجدداً سکان قدرت دولتی را در بن بدست گیرند. با توجه باینکه قرار داد ۸ نوامبر بعد از تصویب در مجلس مقننه دو کشور بامضاء خواهد رسید از هم اکنون میتوان در انتظار بود که از تجاع افراطی آلمان یکبارگی با تمام قوا علیه این قرار داد فعالیت خواهد کرد. ولی بویژه در نتیجه انتخابات ۱۹ نوامبر که به پیروزی روشن حزب سوسیال دموکرات و حزب لیبرال منجر شد میتوان اطمینان کامل داشت که محتوی اساسی قرارداد تاریخی ۸ نوامبر میان دو کشور آلمان تغییر ناپذیر است.

مدهاست که حزب نوده ایران از دولت طلب میکند که با جمهوری دموکراتیک آلمان روابط سیاسی برقرار کند. ولی دولت هر بار بدلائل ناموجهی از این امر سر باز زده است. بعد از انعقاد قرار داد میان دو دولت هیچ «عنری» برای تأخیر در شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان واستقرار روابط سیاسی با آن وجود ندارد. جمهوری دموکراتیک آلمان یکی از ده دولت بزرگ صنعتی جهان است. استقرار روابط اقتصادی با این کشور منضمّن منافع بزرگی برای کشور ماست. این کشور، با سوابق ممتدی که در اجرای برنامه های عمرانی و اقتصادی در کشورهای آسیائی و افریقائی دارد میتواند در اجرای پتجمین برنامه پنج ساله عمرانی کشور نقش بسیار مهمی بازی کند. جمهوری دموکراتیک آلمان نه تنها ب مواد خام کشاورزی و صنعتی، بلکه به بسیاری از فرآورده های صنایع جوان ما احتیاج دارد. کشور ما متقابلاً میتواند از امکانات وسیع صنعتی این کشور، برای پیش بردن برنامه های عمرانی خویش استفاده کند. دراستقرار روابط سیاسی با جمهوری دموکراتیک آلمان سالها تأخیر شده است. اکنون وقت آنست که سیاست تأخیر هر چه زود تر پایان پذیرد و تعلل گذشته جبران شود.

منتشر شد:

- ۱) چاپ مجدد «اصول مارکسیسم» تألیف آفاناسیف
- ۲) «چریکهای خلق چه میگویند» از سلسله انتشارات ارانی.